

Research Paper

A Comparative Study on Academic Development's Driving Factors in Iranian Higher Education System



*Hadi Yousefi¹, Jamileh Alamolhoda², Ali Khorsandi Taskouh³, Gholamreza Zakersalehi⁴

1. PhD Student of Higher Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Education Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
2. Department of Educational Science Faculty of Education Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
3. Department of Management and Curriculum planning, Faculty of Education Sciences and Psychology, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
4. Department of Comparative studies and Innovation in Higher Education, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Yousefi, H., Alamolhoda, J., Khorsandi Taskouh, A., & Zakersalehi, Gh. (2021). [A Comparative Study on Academic Development's Driving Factors in Iranian Higher Education System (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(39), 252-275.



Received: 10 Oct 2020

Accepted: 01 Feb 2021

Available Online: 01 Aug 2021

Keywords:

Higher Education Governance, Higher Education Reform, Factors driving reform, Higher Education Systems

ABSTRACT

The higher education system is subject to rapid change due to its dynamic nature and these developments are affecting higher education systems with different origins, therefore, knowing these developments and recognizing the factors that cause them can be very effective in regulating this area. To this end, the present study examines the drivers of governance reform in European higher education systems. Because comparative studies are considered as one of the ways to achieve the existing knowledge in this field, which promotes the views of policy makers. Therefore, the aim of this study is to investigate the factors driving the reforms in the governance of higher education systems in European countries. The reason for choosing European countries is the extensive changes in the higher education systems of these countries after the 1990s. The countries of this continent have been selected based on the traditional division into Eastern and Western Europe. After reviewing scientific and policy documents on governance reform, three countries, Germany, France, and Italy were selected from Western Europe, and Poland, Romania, and Bulgaria from Eastern Europe, which had more complete documents. The approach of the present study is qualitative research and has been performed in four stages using the comparative method of Bereday. Thus, after reviewing and analyzing the content of documents related to countries, the driving factors were identified in two general categories of "internal and external factors", each of which had a number of sub-factors. Finally, approaches to examining reforming the Iran's higher education system were provided.

* Corresponding Author:

Hadi Yousefi, PhD.

Address: Department of Educational Sciences, Faculty of Education Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

E-mail: ha_yousefi@sbu.ac.ir

مقاله پژوهشی

استخراج عوامل محرک اصلاحات در حکمرانی نظام‌های آموزش عالی اروپایی؛ رهیافت‌هایی برای ایران

* هادی یوسفی^۱، جمیله علم‌الهدی^۲، علی خورسندی طاسکوه^۳، غلامرضا ذاکر صالحی^۴

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
۴. گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

چکیده

نظام آموزش عالی به جهت ماهیت پویای آن در معرض تحولات سریع قرار دارد و این تحولات اغلب با منشأ متفاوت نظام‌های آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، آگاهی از این تحولات و شناخت عوامل به وجود آورنده آن می‌تواند در تنظیم‌گری این حوزه بسیار مؤثر باشد. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل محرک اصلاحات در حکمرانی نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپایی است. دلیل انتخاب کشورهای اروپایی، تغییرات گسترده نظام‌های آموزش عالی این کشورها بعد از دهه ۱۹۹۰ است. انتخاب کشورهای این قاره بر اساس تقسیم سنتی به اروپای شرقی و غربی صورت گرفته است. به این ترتیب که پس از بررسی اسناد علمی و سیاستی مربوط به اصلاحات حکمرانی، سه کشور آلمان، فرانسه و ایتالیا از اروپای غربی و لهستان، رومانی و بلغارستان از اروپای شرقی که دارای اسناد کامل‌تری بودند، انتخاب شدند. رویکرد پژوهش حاضر کیفی بوده و با استفاده از روش تطبیقی بردی در چهار مرحله انجام شده است. به این ترتیب، پس از بررسی و تحلیل محتوای اسناد مربوط به کشورها، عوامل محرک در دو دسته کلی «عوامل درونی و بیرونی» شناسایی شد. برای کشورهای اروپای شرقی عواملی نظیر ایجاد، تغییر یا اصلاح قوانین و ابزارهای مالی به عنوان عوامل فرعی درونی و عوامل اقتصادی، قوانین، تحولات سیاسی اجتماعی در سطح ملی و تحولات و فشارهای فراملی به عنوان عوامل فرعی بیرونی محرک اصلاحات شناسایی شد. همچنین برای کشورهای اروپای غربی ایجاد، تغییر یا اصلاح قوانین، تشکیل یا حذف شوراها، اتحادیه‌ها و صنف‌ها و ابزارهای مالی به عنوان عوامل فرعی درونی و قوانین، تصمیمات و سیاست‌های دولت، تحولات سیاسی اجتماعی در سطح ملی و تحولات و فشارهای فراملی به عنوان عوامل فرعی بیرونی محرک در اصلاحات حکمرانی نظام‌های آموزش عالی شناسایی شدند.

تاریخ دریافت: ۱۹ مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی آموزش عالی، اصلاحات آموزش عالی، عوامل محرک اصلاحات، نظام‌های آموزش عالی

* نویسنده مسئول:

هادی یوسفی

نشانی: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی.

پست الکترونیکی: ha_yousefi@sbu.ac.ir

مقدمه

و فشارهای ناشی از آن به یک مدل بازاری نزدیک شده‌اند (دوبینز و کاجترین، ۲۰۱۴).

بررسی اسناد علمی و سیاستی سایر کشورها، به‌خصوص کشورهای اروپایی که بعد از دهه ۱۹۹۰ شاهد تحولات گسترده‌ای در نظام‌های آموزش عالی خود بوده‌اند (صبایغان، ۱۳۹۸)، برخی عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری آن را نمایان می‌سازد.

دی‌بوئر و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کنند که میزان اصلاحات ساختاری در آموزش عالی اروپا از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ قابل توجه بوده است، به گونه‌ای که در این بازه زمانی بیش از ۱۳۰ اصلاح ساختاری در کشورهای مختلف این قاره رخ داده است.

این میزان بی‌سابقه از تغییرات عمدتاً بر پایه دو تحول کلیدی بوده است: بیانیه بولونیا^۱ (۱۹۹۹) که هدفش ایجاد رقابت و جذابیت بیشتر نظام‌های آموزش عالی اروپایی بود و استراتژی اروپایی لیسبون^۲ (۲۰۰۰) که به دنبال اصلاح نظام‌های آموزشی عالی منفک، به یک اقتصاد قوی‌تر و یکپارچه مبتنی بر دانش بوده است.

پس از تحولات به‌وجود آمده در مدیریت عمومی از دهه ۱۹۹۰ و کمرنگ شدن نقش دولت‌ها در اداره امور مختلف، جذابیت این عرصه (سیاست‌گذاری آموزش عالی) برای دولت‌ها تا حدی است که بنا به گزارش شبکه اطلاعات آموزش در اروپا [یورودیس] (۲۰۰۸) هنوز هم دولت‌ها یا نهادهای دولتی علاقه‌مند به تأثیرگذاری در این حوزه هستند.

در این باره، گودبور و همکاران بر این اعتقادند که

آموزش عالی به عنوان نیروی محرکه توسعه پایدار و حرکت به سوی جامعه معرفتی، دارای نقشی راهبردی در جوامع است. به دلیل ماهیت در حال تحول دانش و وابستگی سایر بخش‌های جامعه به آن (مانند اقتصاد، فناوری و...)، تحول در نهاد آموزش عالی در دهه‌های اخیر بسیار قابل توجه بوده است به گونه‌ای که دی‌بوئر و همکاران از آن به عصر اصلاحات آموزش عالی یاد می‌کنند.

به ادعای بسیاری از تحقیقات (کوگان و همکاران، کوگان و هانی، مارچینسون، مَسسن و استنساگر و نیز شاتوک) مهم‌ترین نقش آموزش عالی در حال حاضر نقش محوری و غیرقابل انکار آن در اقتصاد دانش است.

از سوی دیگر، به دلیل وابستگی سایر حوزه‌ها به آموزش عالی، سیاست‌گذاران نگاه ویژه‌ای به هدایت و حکمرانی این حوزه داشته‌اند. بر این اساس، در دهه‌های اخیر در پی انجام اصلاحات در نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری آن بوده‌اند (پارادایس و همکاران، کوگان، گورنیتزکا و آمارالکوگان، هنکل، بائور و بلیکلی، دوبینز، دوبینز و نیل، اندرز، دی‌بوئر و ویر، دی‌بوئر، اندرز و لیسیت، بلیکلی و میچلسن).

اصلاحات حکمرانی آموزش عالی در کشورهای مختلف تحت عوامل گوناگون رخ داده است، که در برخی موارد نشان‌دهنده حرکت آن‌ها به سوی همگرایی در یک الگوی حکمرانی است.

برای مثال، می‌توان به اصلاحات انجام‌شده در فرانسه که موجب بازاری شدن بیشتر آموزش عالی شده، اشاره کرد (دوبینز، ۲۰۱۲). یا اصلاحات در گرجستان و ارمنستان که تحت تأثیر اروپایی شدن

1. Bologna Declaration
2. The Lisbon Strategy
3. Eurydice

خود دیده است، از جمله وقوع انقلاب جنگ تحمیلی و تشدید دولت‌گرایی در اداره امور مختلف، مانند آموزش عالی، انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها، منفک شدن آموزش پزشکی از آموزش غیرپزشکی، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، روی کار آمدن دولت‌های مختلف با رویکردها و مشی‌های سیاسی اداری متفاوت، افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی، تأسیس دانشگاه پیام نور، مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، دانشگاه جامع علمی کاربردی، تأسیس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تشکیل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، تصویب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، توسعه کمی آموزش عالی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و ...

بنابراین می‌توان ادعا داشت برای شناخت وضعیت موجود نظام آموزش عالی باید شناخت کافی از وضعیت گذشته آن و همچنین عوامل به وجود آورنده شرایط موجود داشت، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعات منسجمی در این زمینه انجام نشده است.

به بیان دیگر، یکی از نکات مهم در بررسی اصلاحات نظام‌های آموزش عالی فهم منشأ و چگونگی شکل‌گیری آن است که به دلیل ضعف اسناد علمی و سیاستی در این حوزه، این مهم مغفول مانده است.

با در نظر گرفتن این اصل که شناخت تجارب و مسیرهای پیموده شده توسط دیگران می‌تواند ما را در انتخاب و طی مسیر پیش رو یاری کند، اتخاذ رویکردی تطبیقی به منظور بررسی تجربیات سایر کشورها در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد، تا با آگاهی از آن افق‌های نوینی پیش‌روی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران ترسیم شود.

انتقال از کنترل دولتی به نظارت دولتی یا «هدایت کردن از دور» به فلسفه غالب دولت‌های ملی تبدیل شده است. با وجود این، این مسئله به معنای عدم حضور دولت نیست.

از طریق تنظیم دستور کارهای ملی و سازوکارهای اداره کردن کلان، دولت‌ها هنوز هم نقش اساسی در آموزش عالی ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، تحولات در نوع اداره کردن نظام‌های آموزش عالی در مناطق مختلف اروپا نیز با یکدیگر متفاوت بوده است.

در ایران نیز طی دهه‌های اخیر اقداماتی جهت اصلاح نظام آموزش عالی صورت گرفته که مهم‌ترین آن‌ها در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده است.

مرور ادبیات مربوط به تحولات آموزش عالی ایران برخی از پژوهش‌های مرتبط در این زمینه را نشان می‌دهد (دانایی‌فرد و سلیمی، ۲۰۱۷؛ مشیرزاده، ۱۳۹۸؛ باقری‌مقدم و احمدی، ۱۳۹۷؛ داداش‌کریمی، میرسپاسی و نجف‌بیگی، ۱۳۹۷؛ فتح‌الهی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ربیعی و نظریان، ۱۳۹۱؛ ذاکر صالحی و ذاکر صالحی، ۱۳۸۹؛ ذاکر صالحی، ۱۳۸۹؛ ذاکر صالحی، ۱۳۸۸) که می‌توان آن‌ها را در چارچوب پژوهش‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری در این حوزه دسته‌بندی کرد.

بررسی مطالعات فوق نشان می‌دهد آن‌ها به طور روشن، مشخص و منسجم به موضوع اصلاحات در نظام آموزش عالی کشور نپرداخته‌اند و هریک تنها به گوشه‌ای از آن در برهه‌ای تاریخی اشاره کرده و موضوع خاصی را با توجه به اولویت و نیاز روز مورد توجه قرار داده‌اند.

در این رابطه باید اشاره شود نظام آموزش عالی ایران بعد از انقلاب اسلامی تحولات متعددی را به

در اروپا، حکمرانی آموزش عالی اخیراً در معرض تغییرات عمیق قرار گرفته است. چالش‌های مختلف اقتصادی اجتماعی، به‌ویژه ظهور جامعه دانش، تحولات جمعیتی، رشد اقتصادی کند و افزایش فشارهای رقابتی محرک بسیاری از اصلاحات در سیستم‌های آموزش عالی بوده است.

با توجه به فرایندهای مروج همگرایی مانند فرایند بلونیا و گسترش مدیریت دولتی نوین، نظام‌های آموزش عالی بیش از پیش تحت تسلط دیدگاه‌های مختلف درباره اینکه چگونه باید اداره شوند، قرار دارند.

این بدین معنا است که در سراسر اروپا سیاست‌گذاران و سایر ذی‌نفعان در حال بازنگری در قوانین بازی برای تشویق مؤسسات آموزش عالی برای ارائه خدمات با کیفیت‌تر به روشی مؤثر و کارآمد هستند (دی‌بوئر و جانگلوبود، ۲۰۱۲).

بر اساس مطالعات انجام‌شده در مورد حکمرانی آموزش عالی در دو دهه گذشته، می‌توان یک تصویر کلی را ترسیم کرد یا حداقل برخی گرایش‌های عمومی را مشاهده کرد. بدیهی است نقش دولت نسبت به آموزش عالی تغییر یافته است که اغلب از آن به عنوان «تغییر از حکومت کردن به حکمرانی کردن» یاد می‌شود (دی‌بوئر و هوپیزمن، ۲۰۲۰).

دهه‌های گذشته شاهد ظهور دستورکارهای مهم اصلاح آموزش عالی بوده است، درحالی‌که این دستورالعمل‌ها به طور کلی نتایج قصدشده را نداشته است (کریستین‌سن، گرونیتزکا و مسن، ۲۰۱۴) و منجر به یک حکمرانی جهانی آموزش عالی نشدند، اما بر ساختار نظام‌های آموزش عالی و توزیع قدرت در این سیستم‌ها تأثیر داشتند.

در اروپا، رویکرد سنتی «بوروکراتیک حرفه‌ای» که

از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. چه عواملی بر انجام اصلاحات در حکمرانی نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپایی منتخب اثرگذار بوده است؟

۲. عوامل محرک شناسایی‌شده از نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپایی چگونه با عوامل اثرگذار بر تحولات نظام آموزش عالی مقایسه می‌شوند؟

۱. ادبیات موضوع

حکمرانی مفهومی بسیار مجادله‌آمیز است که مربوط به اعمال کنترل جمعی نسبت به اهداف مشترک است و آن مربوط به ترتیبی است که در آن بازیگران عمومی و همچنین خصوصی به دنبال حل مسائل اجتماعی یا ایجاد فرصت‌های اجتماعی هستند.

در تعریف حکمرانی آمده است: «اعمال رسمی و غیررسمی اختیارات، تحت قوانین، سیاست‌ها و قواعدی که حقوق و مسئولیت‌های بازیگران مختلف را بیان می‌کند، از جمله قواعدی که با آن‌ها تعامل دارند» (یورودیس، ۲۰۰۸).

حکمرانی در آموزش عالی مربوط به هر دو حکمرانی درونی (مؤسسه‌ای) و بیرونی (سیستم) آموزش عالی است. بدین ترتیب، حکمرانی آموزش عالی به عنوان هماهنگی درونی و بیرونی آموزش عالی درک می‌شود که این هماهنگی می‌تواند اجزای رسمی و غیررسمی داشته باشد (دی‌بوئر و فایبل، ۲۰۰۹)؛ بنابراین هنگامی که از اصلاحات در سطح سیستم آموزش عالی بحث می‌شود، مشخص است که منظور حکمرانی بیرونی آن است.

حکمرانی آموزش عالی در کشورهای اروپایی صورت پذیرفته است که در جدول شماره ۱ به طور خلاصه ارائه شده است.

همچنین برخی از مطالعات مربوط به حکمرانی آموزش عالی و تحولات آن در آموزش عالی کشور نیز در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با روش تطبیقی انجام شد، که به منظور شناسایی عوامل محرک اصلاحات در نظام‌های آموزش عالی اروپایی، از روش تحلیل محتوای اسناد و مدارک بهره برده شد.

حقیقت و مزیدی، سندکاوی را یکی از روش‌های شناخته‌شده مطالعات کیفی می‌دانند که در آن پژوهشگر عموماً از روش‌های عقلانی، استدلالی و روش‌هایی مانند تحلیل محتوا سود می‌برد. از آنجا که هدف نمونه‌گیری در پژوهش کیفی کسب درک عمیق از پدیده مورد مطالعه است، از این روش نمونه‌گیری هدفمند بدین منظور استفاده شد.

پاتون، نمونه‌گیری هدفمند را از روش‌های نمونه‌گیری غیرتصادفی می‌داند که در آن از نمونه‌هایی استفاده می‌شود که درباره موضوع اصلی پژوهش حداکثر اطلاعات را به پژوهشگر می‌دهند.

جامعه پژوهش حاضر، نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپایی بودند که بر اساس تقسیم‌بندی کشورهای اروپایی به شرقی و غربی، اقدام به انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه از این دو دسته کشور به صورت هدفمند شد.

کشورهای اروپایی به این دلیل برای بررسی تطبیقی انتخاب شدند که برخی از آن‌ها (کشورهای اروپای شرقی) به دلیل نظام متمرکز اداری و رویکرد

در آن هماهنگی سیستم‌های آموزش عالی توسط دولت‌ها و الیگاریشی دانشگاهی صورت می‌گرفت، به تدریج به سمت سیستم‌های حکمرانی که در آن منطق بازار و شبکه‌ها برجسته است، سوق یافته است (پارادایس و همکاران، ۲۰۰۹؛ بلیکلی و همکاران، ۲۰۱۱).

محققان دلایل متعددی را برای اصلاحات در سبک‌های حکمرانی کشورهای اروپایی ذکر کرده‌اند. نخست: رکود اقتصادی همراه با تقاضای در حال افزایش برای آموزش عالی، دولت‌ها را با فشارهای مالی مواجه کرد.

دوم: بی‌اعتمادی فزاینده به توان بالقوه دولت‌ها برای حل مشکلات اجتماعی مردم به صورت متمرکز بود که یکی از پیامدهای آن چرخش ایدئولوژیک به سمت الگوی بازار است.

سوم: جهانی شدن، بین‌المللی شدن و اروپایی شدن که باعث شد دولت‌ها و سایر ذی‌نفعان آموزش عالی درباره موقعیت و پتانسیل عمل خود تجدیدنظر کنند (دی‌بوئر و جانگیلود، ۲۰۱۲؛ دی‌بوئر و همکاران، ۲۰۱۷ و پیترز و پترز، ۲۰۰۰) که می‌توان از آن به فشارهای فراملی یاد کرد.

بر این اساس، فرایند بولونیا و مقدم بر آن اعلامیه سوربن^۴ را می‌توان آغازگر سیاست‌های هماهنگی فراملی از طریق ایجاد زمینه‌ای برای «رقابت وابسته به تشریک مساعی» و «همکاری رقابتی» عنوان کرد (یوسفی، ۱۳۹۸: ۲۴۶).

۲. روش‌شناسی پژوهش

مطالعات مختلفی در زمینه اصلاحات مربوط به

4. Sorbonne Declaration

جدول ۱. مطالعات انجام‌شده در زمینه اصلاحات حکمرانی در نظام‌های آموزش عالی اروپایی

ردیف	عنوان پژوهش	محقق / محققان	سال انتشار
۱	انقلاب مدیریتی در آموزش عالی ^۱	پتر مسن و همکاران	۲۰۰۳
۲	چگونه آموزش عالی فرانسه بازار محور است؟	میشل دوبینز	۲۰۱۲
۳	سیاست‌های آموزش عالی در مرکز و شرق اروپا (همگرایی به سوی یک مدل مشترک؟)	میشل دوبینز	۲۰۱۱
۴	تجزیه و تحلیل دگرگونی حکمرانی آموزش عالی در بلغارستان و لیتوانی	میشل دوبینز و لیودیکا لیسیت	۲۰۱۳
۵	اروپایی‌سازی در شرق بکر، تجزیه و تحلیل اصلاحات آموزش عالی در گرجستان و ارمنستان	میشل دوبینز و سوزانا خاچاتریان	۲۰۱۴
۶	دگرگونی حکمرانی و سیاست‌گذاری در آموزش عالی اروپای غربی	میشل دوبینز و کریستف نیل	۲۰۱۴
۷	اصلاحات آموزش عالی در اروپا	ژورن اندرز، هری دبوئر و دان وسترهیجدن	۲۰۱۱
۸	تجزیه و تحلیل اصلاحات ساختاری در آموزش عالی؛ فرایندها و نتایج	هری دبوئر و همکاران	۲۰۱۷
۹	حکمرانی آموزش عالی اسکانداویوایی؛ پیگیری اهداف یکسان از طریق ترتیبات سازمانی مختلف	بلیکلی و میچلسن	۲۰۱۹
۱۰	همگرایی و تنوع در حکمرانی آموزش عالی: دیدگاه‌های مقایسه‌ای	کاپانو	۲۰۲۰

1. The Higher Education Managerial Revolution

(۱۳۸۳: ۲۸).

با اشاره به رویکرد جدید مطالعات تطبیقی، ذاکر صالحی (۱۳۹۵: ۸۳) بیان می‌کند، «این نوع از مطالعات عمدتاً به عنوان لنزی نگریسته می‌شود که می‌توان از آن طریق به مشاهده محیط دور و نزدیک پرداخت و موقعیت خود را نسبت به دیگران مورد بررسی قرار داد».

از نظر وی در مطالعات تطبیقی روش مشترک شامل به دست آوردن وجوه اختلاف و تشابه نظام‌های مختلف آموزش و پرورش یا آموزش عالی است و نقطه اشتراک بیشتر مطالعات تطبیقی به دو گام اصلی آن مربوط می‌شود. گام نخست: توصیف پدیده و گام دوم: مقایسه و تطبیق تفاوت‌ها و

دولت‌محور در اداره آموزش عالی و همچنین متأخر بودن نسبت به تحولات این حوزه شباهت‌هایی به ایران داشتند و برخی دیگر (کشورهای اروپای غربی) با الگوهای متفاوت حکمرانی و پیشرو بودن در حوزه آموزش با نظام آموزش عالی ایران تفاوت‌هایی داشتند.

با الهام از روش تطبیقی بردی^۵، مطالعه حاضر به بررسی اسناد مرتبط با تحولات و اصلاحات نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپایی پرداخته است. «هدف مطالعه تطبیقی دست‌یابی به بینشی فلسفی است تا از این طریق محقق را قادر به قرار دادن نظام آموزش کشور در ترازوی مقایسه کند» (آقازاده،

5. Bereday

جدول ۲. مطالعات انجام‌شده در رابطه با تحولات حکمرانی آموزش عالی در ایران

ردیف	عنوان پژوهش	محقق / محققان	سال انتشار
۱	بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران (موضوع ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و تدوین راهکارهای اجرایی آن	غلامرضا ذاکر صالحی	۱۳۸۸
۲	تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی	فتح‌اللهی و همکاران	۱۳۹۴
۳	تحلیل محتوای برنامه‌های پنج ساله توسعه ایران با توجه به مقوله‌های الگوهای حکمرانی آموزش عالی	فتح‌اللهی و همکاران	۱۳۹۴
۴	بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران	امیری فرخ‌آبادی و همکاران	۱۳۹۷
۵	آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران	باقری مقدم و احمدی	۱۳۹۷
۶	آسیب‌شناسی آمایش آموزش عالی در ایران؛ اولین گام حکمرانی منطقه‌ای	قرونه و همکاران	۱۳۹۸
۷	طراحی مدل حکمرانی آموزش عالی کشور	میرسپاسی و همکاران	۱۳۹۸

شبهات‌ها.

۱. تعیین واحد تحلیل ۲. آماده کردن مطالب حاصل از فیش‌برداری ۳. مشخص کردن واحدهای معنایی ۴. مفهوم‌سازی واحدهای معنایی یا تبدیل واحدهای معنایی به کدهای باز ۵. بازنگری کدها با متن ۶. مقوله‌بندی ۷. انتزاعی کردن مقولات و شناسایی تم‌ها.

به منظور تحلیل محتوای اسناد و مدارک، از روش تحلیل محتوا با رویکرد عرفی (یا مرسوم) که مبتنی بر مدل گرانهایم و لاندمن است، استفاده شد. این نوع تحلیل محتوا در پژوهش‌هایی استفاده می‌شود که هدف آن‌ها توضیح یک پدیده است.

همچنین برای افزایش اعتبار نتایج به دست آمده، با اختصاص زمان کافی عوامل محرک شناسایی شده، مورد بازبینی و بررسی قرار گرفتند و از طریق رفت و برگشت‌های صورت گرفته نظر همتایان نیز درباره آن‌ها اعمال شد و در نهایت، عوامل اصلی و فرعی محرک اصلاحات در حکمرانی نظام‌های آموزش عالی اروپایی به دست آمد.

همچنین این نوع، در جایی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره مورد مطالعه (در اینجا عوامل محرک اصلاحات حکمرانی نظام‌های آموزش عالی) محدود باشد. در این حالت محققان از استفاده از مقوله‌های پیش‌پنداشته خودداری می‌کنند (گرانهایم و لاندمن، ۲۰۰۴، به نقل از ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲) و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها به دست آیند.

دو عنصر مهم دیگر در مطالعه حاضر به اسناد بررسی شده و چگونگی انتخاب کشورها مربوط می‌شود. به طور کلی، دو دسته از اسناد بدین منظور بررسی و تجزیه و تحلیل شدند: اسناد علمی و اسناد سیاستی.

مراحل تحلیل محتوا با رویکرد عرفی که در پژوهش حاضر به منظور دست‌یابی به عوامل محرک اصلاحات حکمرانی استفاده شد، به این شرح است:

جامعه دانشگاهی و استادان است.

قوانین و تحولات فراملی نیز بر اصلاحات آموزش عالی لهستان تأثیرگذار بوده است. فرایند بولونیا یک تغییر اساسی را در نظام آموزش عالی لهستان برانگیخت و آن ایجاد کمیسیون اعتبارسنجی دولتی در سال ۲۰۰۱ بود که کیفیت برنامه‌های تحصیلی را پیش از شروع و پس از آن ارزیابی کند.

دوینیز معتقد است تأسیس این نهاد در راستای روندهای جهانی به سمت خودمختاری دانشگاه‌ها برای پاسخ‌گویی بیشتر بود، اما وابستگی‌های اقتصادی ناشی از ادغام لهستان در اروپا فشارها را برای تغییر بر سیاست‌گذاران آموزش عالی لهستان تحمیل کرد.

محرك این اتفاق، صنعتی‌زدایی پسا کمونیستی بود، به گونه‌ای که با گسترش بخش خدمات و انتقال زیرساخت‌های صنعتی غربی تسهیل شده بود.

میلر و همکاران، دلیل این امر را صنعت کارگرمحور قلمداد کرده‌اند که اقتصاد لهستان را تبدیل به دستگاه مونتاژ برای کشورهای غربی پیشرفته کرده بود.

آنتونویچ و همکاران از به وجود آمدن یک درک اجتماعی گسترده در این باره بحث کرده‌اند که لهستان را بیش از حد وابسته به نوآوری و سرمایه‌گذاری خارجی دانسته است که به اعتقاد آنان این حس عقب‌ماندگی با عملکرد ضعیف لهستان در برنامه‌های پژوهشی اتحادیه اروپا تقویت شده است.

در نتیجه، این عوامل ترکیبی، فشار جدیدی بر لهستان به منظور هم‌راستا کردن خود با سیاست‌های آموزش عالی غربی ایجاد کرد که بنا بر آن یک مدل حکمرانی با هدف تقویت استقلال اقتصادی بیشتر با

اسناد علمی شامل مقالات و کتب منتشر شده درباره موضوع اصلاحات در نظام‌های آموزش عالی کشورهای منتخب بود. اسناد سیاستی نیز آن دسته از اسنادی بودند که توسط وبسایت یورودیس منتشر شده و تحولات، سیاست‌ها و تصمیمات مرتبط با نظام‌های آموزشی کشورهای اروپایی را به تصویر کشیده بودند.

معیار انتخاب کشورها نیز داشتن اسناد علمی و سیاستی کامل‌تر بود که بر این اساس کشورهای لهستان، رومانی و بلغارستان از اروپای شرقی و آلمان، فرانسه و ایتالیا از کشورهای اروپای غربی انتخاب شدند.

۳. یافته‌های پژوهش

۱.۳. بخش اول: اروپای شرقی لهستان

بنا به ادعای آنتونویچ و همکاران، آموزش عالی لهستان بعد از سال ۱۹۸۹ با یک بازگشت به منطق تاریخی خود شناخته می‌شود که منجر به استقرار مجدد اصول اصلی الگوی خودراهبری دانشگاهی به صورت خیلی سریع و یک شبه شد.

دلیل این امر اولین قانون پس از کمونیست مربوط به آموزش عالی بود که به شدت خودمختاری دانشگاه‌ها برای تعریف ساختار سازمانی خود و تنظیم سیاست‌های مربوط به پرسنل و بودجه را تقویت می‌کرد.

دوینیز در این باره بر این باور است که لهستان به سنت خودراهبری دانشگاهی قبل از جنگ جهانی بازگشته است، به گونه‌ای که دانشگاهیان رده بالا، امور دانشگاه را از طریق سناهای دانشگاهی اداره می‌کنند. این بدین معنا است که در این حالت تصمیمات در سطح دانشگاه ناشی از ترجیحات

استبدادی به یک دولت دموکراتیک و دوم اقتصادی، یعنی تغییر از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به یک اقتصاد بازار مبتنی بر رقابت. (یورودیس، ۲۰۱۹، a).

مدیریت و اداره کلی نظام آموزشی رومانی در سطح ملی توسط وزارت آموزش ملی این کشور انجام می‌شود. وزارت آموزش ملی به منظور اجرای اسناد خود، در سطح مرکزی با سایر وزارتخانه‌ها و ساختارهای نهادی تابع دولت همکاری می‌کند، بدین گونه که سیاست‌های ملی آموزشی بر اساس رایزنی با سایر نهادها و وزارتخانه‌های درگیر، توسط وزارت آموزش ملی اتخاذ می‌شود. بخش آموزش عالی نیز از این امر مستثنا نبوده و توسط وزارت آموزش ملی هماهنگ می‌شود (یورودیس، ۲۰۱۹، b).

در این زمینه اسکات عنوان می‌کند تحصیل بنیان‌گذاران دانشگاه‌های رومانی در فرانسه و سیستم دولت محور این کشور، الهام‌بخش ساختار آموزش عالی رومانی بوده است.

دوبینز نیز دموکراتیک باقی ماندن برنامه‌ریزی درسی پس از ۱۹۹۰ را یکی از نشانه‌های این امر به شمار می‌آورد. دوره شروع اصلاحات در آموزش عالی رومانی را می‌توان سال ۱۹۹۷ به دلیل فشارهای داخلی و تأثیر پلتفرم اروپایی دانست که منجر به طراحی بسته اصلاحات گسترده و بی‌سابقه در این کشور شد. این مهم از آنجا ناشی می‌شود که اصلاحات آموزشی به عنوان محرک ادغام رومانی در اقتصاد جهانی درک شده بود (مارگا، ۲۰۰۲).

در پی این اصلاحات، دولت از نقش خود به عنوان «طراح سیستم» دست کشید و مجموعه‌ای از سازوکارهای مبتنی بر عملکرد و کارآفرینی تعریف کرد. بسته اصلاحات شامل تغییر در نوع بودجه‌ریزی و سوق یافتن به سوی یک مدل انگلیسی که ظرفیت

دو برابر کردن مأموریت تحقیقاتی دانشگاه‌ها پدید آمد. در این راستا، قانون ۲۰۱۱ آموزش عالی به منظور ارتقای کارکرد پژوهشی دانشگاه‌ها، به‌ویژه از طریق طرح‌های بودجه شکل گرفت (کویک، ۲۰۱۲).

این قانون به طور آشکار، مؤلفه‌های بودجه عملکرد محور را افزایش داد. این تلاش دولت برای تعالی پژوهش با تأسیس یک مرکز ملی علوم^۶ در سال ۲۰۱۱ برای حمایت از تحقیقات بنیادین تقویت شد.

قانون فوق از این دیدگاه که «لهستان باید نوآور باشد و نه تقلیدی» نشأت می‌گیرد و اینکه دانشگاه‌ها باید پایه‌های نوآوری اقتصادی برای تسهیل رشد صنایع پیشرفته تبدیل شوند (دوبینز، ۲۰۱۷).

اصلاح دیگر در نظام تأمین مالی آموزش عالی لهستان در قانون ۲۰۱۸ آموزش عالی و علوم این کشور آمده است. این قانون یک چارچوب جامع برای تأمین مالی آموزش عالی را شامل می‌شود که هم فعالیت‌های آموزشی و هم پژوهشی مؤسسات آموزش عالی را در برمی‌گیرد.

قانون فوق معیارهای تخصیص بودجه را تعیین می‌کند (یورودیس، ۲۰۱۹). «قانون اساسی برای علوم» نام قانون دیگری است که اخیراً به منظور تنظیم حوزه آموزش عالی تدوین شده است که تدوین‌کنندگان آن انتظار دارند که به اصلاحات عمیق در سیستم تأمین مالی و مدیریت مؤسسات آموزش عالی این کشور منجر شود (یورودیس، ۲۰۲۰).

۲.۳. رومانی

تلاش‌های رومانی در سال ۱۹۹۰ برای انتقال به یک جامعه دموکراتیک، تغییر در دو حوزه را در پی داشت: اول سیاسی، یعنی حرکت از یک حکومت

6. Narodowe Centrum Nauki

سیستم آموزش ملی، خصوصی و مذهبی را در این کشور تنظیم می‌کند (یورودیس، ۲۰۱۹، c).

علاوه بر آن، مشخص‌کننده نهادهای درگیر در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سطح ملی است.^۷ قانون فوق با پیش‌زمینه اقتصادی آن خواستار جهت‌گیری قوی‌تر نسبت به سودمندی اقتصادی خروجی تحقیقات دانشگاهی است.

این امر تاحدودی آموزش عالی رومانی را به الگوی خودراهبری دانشگاهی نزدیک کرده است که یکی از شواهد آن افزایش ۵۰ درصدی بودجه تحقیقات در این کشور بعد از تصویب «قانون آموزش ملی» است، به گونه‌ای که پس از آن برای نخستین بار به شیوه مبتنی بر عملکرد تخصیص یافت (ابات، ۲۰۱۳).

هم‌راستا با تحولات سیاسی اقتصادی فوق، پیوستن به اتحادیه اروپا در دهه ۲۰۰۰ نیز در اصلاحات به وقوع پیوسته در نظام آموزش عالی رومانی بی‌تأثیر نبوده است.

از آنجا که این امر، یعنی پیوستن به اتحادیه اروپا به یک اولویت ملی برای رومانی تبدیل شده بود، توافق‌نامه‌های همکاری بین‌المللی با کشورهای مختلف منعقد شد که منجر به ترویج هماهنگی چارچوب‌های قانون‌گذاری، هماهنگی سیاست‌ها و راهبردهای آموزشی در زمینه تدوین برنامه درسی، توسعه نهادی، ارزیابی مدرسان، مبادله متخصصان، پژوهشگران، دانشجویان و عناصر اساسی توسعه چند فرهنگی شدن شد (یورودیس، ۲۰۱۹، d).

۳.۳. بلغارستان

۷. این نهادها عبارتند از: الف) نهادهای خبره تأسیس‌شده توسط وزارت ملی آموزش و ب) نهادهای مشورتی ایجادشده توسط قانون، شامل شورای ملی اصلاحات آموزش، شورای ملی برای تأیید عناوین، دبیرها و گواهی‌نامه‌های آموزش عالی، شورای ملی تأمین مالی آموزش عالی و...

مدیران دانشگاهی برای جذب منابع مالی بیشتر از بخش خصوصی و شهریه را افزایش می‌داد، می‌شد. همچنین تعریف چارچوبی به منظور همکاری نزدیک‌تر دانشگاه‌ها و شرکای خارجی (همکاری دانشگاه و صنعت) و البته استفاده از موقعیت تاریخی ممتاز خود به منظور ایجاد رقابت بیشتر و کارآفرینی در دانشگاه‌های رومانی بود (دوبینز، ۲۰۱۷).

در نتیجه، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی خودمختار شدند و حق آن‌ها در طراحی و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای خود، در مقررات عمومی تضمین شد (یورودیس، ۲۰۱۹، b).

نقش عامل اقتصادی بر تحولات آموزش عالی در رومانی در دهه ۲۰۰۰ نیز کاملاً مشخص شده است. جایی که قبل و بعد از الحاق به اتحادیه اروپا این کشور درگیر کشمکش‌های اقتصادی بوده است.

محققان ضعف منابع انسانی این کشور را عامل اصلی عدم توفیق رومانی در ایجاد صنایع پیشرفته داخلی دانسته‌اند، به گونه‌ای که بن‌اظهار داشته که رومانی به طور روز افزونی ویژگی‌های اصلی پارادایم اقتصاد وابسته به بازار را نشان داده است.

در این وضعیت سیاست‌گذاران مجدداً بر نظام آموزش عالی به عنوان ابزاری برای تغییر وضعیت اقتصاد رومانی که بیش از حد به فناوری، نوآوری و سرمایه‌گذاری غربی وابسته بود، تمرکز کردند که با هدف احیای ظرفیت پژوهشی دانشگاه‌ها و تقویت تولیدات علمی برای دستیابی به استقلال اقتصادی بیشتر از طریق صنعتی‌سازی انجام شد.

نتیجه این اقدامات منجر به مهم‌ترین قانون در حوزه آموزش عالی رومانی، یعنی «قانون آموزش ملی» شد که در سال ۲۰۱۱ به تصویب رسید. این قانون ساختار، کارکردها، سازماندهی و عملکرد

آموزش عالی بلغارستان در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ که ارزیابی بیرونی و کنترل امور دانشگاهی را تنظیم کرده است، بیان کرده‌اند.

به طور کلی، قانون آموزش عالی ساختار و سازماندهی تحصیل در دانشگاه‌ها، رویه‌ها، پذیرش دانشجویان، داوطلبان دکتری، اعتبارسنجی مؤسسات آموزش عالی و موضوعات مربوط به تأمین مالی را تنظیم می‌کند (یورودیس، ۲۰۱۹، a).

فرایند بولونیا نیز به مانند سایر کشورهای اروپایی محرک سیاست‌های جدیدی در بلغارستان بوده است. اصلاحات در مقیاس بزرگ برای همگام‌سازی بُعد اروپایی با سنت‌های ملی در آموزش و علم با هدف افزایش کیفیت آموزش علم با الزامات تجارت و بازار کار انجام شد (یورودیس، ۲۰۱۹، b).

به گزارش آژانس ارزیابی و اعتبارسنجی ملی رومانی (۲۰۰۲) در پی فرایند بولونیا سیاست‌های جدید ارزیابی کیفیت اتخاذ شده است که از آن به عنوان وسیله اصلی اتصال به اتحادیه اروپا یاد می‌شود که هم‌راستا با سایر کشورها از یک رویکرد دولتی به رویکرد بازاری خروجی‌محور حرکت کرده است. همچنین بنا به گزارش یورودیس (۲۰۰۷) پس از تعدیل‌های سال ۲۰۰۴ در قانون آموزش عالی، بلغارستان به سمت اعتبارسنجی بر اساس کیفیت برنامه‌های تحصیلی مجزا و پاسخ‌گویی آن به نیازهای اجتماعی اقتصادی سوق یافته است.

از سوی دیگر، از زمان پذیرش بلغارستان در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷، بخش آموزش با هدف انسجام با سیستم‌های آموزشی سایر کشورهای اروپایی، دستخوش اصلاحات جدی و گسترده‌ای شده است.

هدف اصلی مقامات آموزشی بلغارستان از این

از زمان سقوط کمونیسم، آموزش عالی بلغارستان بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی بوده و به طور نامنظمی بین دخالت دولت و «آنا‌رشی» دانشگاهی تغییر کرده است. در زمان کمونیسم این سیستم ترکیبی از ویژگی‌های استالینی و ناپلئونی، متمرکز و به صورت ایدئولوژیک از پیش تعیین شده اداره می‌شد.

پس از سال ۱۹۸۹ دولت اساساً خود را از حکمرانی این حوزه کنار کشید و مسائل مربوط به تحصیل و کارکنان دانشگاهی را به دانشگاه‌ها واگذار کرد (بویادجیوا، ۲۰۰۷).

اما از آنجا که چارچوبی قانونی برای حکمرانی وجود نداشت، در پاسخ به گسترش کنترل نشده آموزش عالی، عدم پاسخ‌گویی و اقدامات کنترل کیفیت که در پی عدم حضور دولت در عرصه حکمرانی رخ داده بود، یک قانون جدید آموزش عالی در اواخر سال ۱۹۹۵ توسط پارلمان این کشور به تصویب رسید.

این قانون موجب تسهیل دخالت گسترده دولتی در چارچوب تنظیم‌گری برای آموزش عالی شد (گئورگیوا، ۲۰۰۲). بدین ترتیب با ظهور مجدد دولت، وزارتخانه مجدداً به مرکز سیاست‌گذاری آموزش عالی تبدیل و قادر به اعمال اصلاحات اساسی از بالا شد.

اما به مرور اروپایی شدن و افزایش فشارهای بین‌المللی وزارتخانه را وادار به دست کشیدن از استراتژی خود برای کنترل آموزش عالی کرد و به سمت نهادی که وظیفه پاسخ‌گو ساختن هرچه بیشتر آموزش عالی به نیازهای عمومی را داشت، سوق داد (دوبینز و لیسیت، ۲۰۱۴)، که با افزایش خودمختاری دانشگاه‌ها در ازای مسئولیت‌پذیری بیشتر آن‌ها همراه بود.

دوبینز و نیل نمونه این مورد را در اصلاح قانون

کنفرانس دائمی وزاری آموزش^۹، علوم و امور فرهنگی شروع شده است که از آن به عنوان عامل تعیین‌کننده توسعه سیستم آموزش در آلمان یاد می‌شود (یورودیس، ۲۰۱۹، b).

این کنفرانس از طریق توافق‌نامه‌ها و با انجام اقدامات اداری هماهنگ، به تضمین یک ساختار آموزش عالی و توسعه مداوم آن کمک می‌کند. کنفرانس دائمی در یک روند اصلاحات مداوم در بخش آموزش عالی آلمان، که شامل وظایف آموزشی و پژوهشی مؤسسات آموزش عالی، سازماندهی داخلی این مؤسسات، وضعیت قانونی آن‌ها و رابطه بین دولت و این مؤسسات است، درگیر است.

در همین راستا و به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، تعداد بالای متقاضیان ورود به آموزش عالی و حفظ کارایی پژوهش، فدراسیون و لندرها بر اساس ماده‌ای از قانون اساسی، پیمان آموزش عالی ۲۰۲۰ را تصویب کردند.

بر این اساس فدراسیون و لندر رشته‌های مبتنی بر نیاز بازار ایجاد می‌کنند و از سوی دیگر، از توسعه کمی آموزش عالی نیز اطمینان حاصل می‌کنند. (یورودیس، ۲۰۱۹، c).

در زمینه مالی بیشتر اصلاحات در رابطه با بودجه‌ریزی و روش‌های توزیع آن بوده است. بر این اساس اصلاحات موجب استفاده از پارامترهای مرتبط با عملکرد، با در نظر گرفتن معیارهایی مانند تعداد دانشجویان، دوره استاندارد تحصیل و تعداد کل فارغ‌التحصیلان در توزیع بودجه شده است.

بین‌المللی شدن یا اروپایی شدن نیز یکی از موتورهای محرک در اصلاحات هرچه بیشتر در

اصلاحات: ۱. اطمینان از سازگاری سیستم آموزشی در برابر چالش‌های جدید، ۲. توسعه پایدار سیستم مطابق با استانداردهای اروپایی و ۳. ارائه دانش و مهارت‌های ارزشمند و رقابتی است (یورودیس، بلغارستان، ۲۰۱۸).

تحلیل اسناد و پژوهش‌های بررسی‌شده به طور کلی دو دسته عامل محرک اصلاح در نظام‌های آموزش عالی کشورهای لهستان، رومانی و بلغارستان را مشخص کرد: عوامل درونی و عوامل بیرونی.

منظور از عوامل درونی، هر نوع پدیده‌ای است که در درون نظام آموزش عالی اتفاق افتاده و موجب تغییر یا اصلاحی در آن شده است. عوامل بیرونی به محرک‌هایی که خارج از نظام آموزش عالی بوده و با وقوع آن‌ها تغییر یا اصلاحی در نظام آموزش عالی انجام شده اشاره دارد.

در جدول شماره ۳، پس از تحلیل اسناد (اسناد علمی و سیاستی) عوامل اصلی، عوامل فرعی و مؤلفه‌های مربوط به آن‌ها اشاره شده است.

۴.۳. بخش دوم: اروپای غربی آلمان

جمهوری فدرال آلمان با شانزده ایالت در قلب اروپا قرار داشته و با نه کشور همسایه است. قانون اساسی این کشور درباره اداره امور مربوط به آموزش، علوم و فرهنگ تصریح می‌کند که مسئولیت اصلی قانون‌گذاری و اداره امور مرتبط بر عهده لندرها^۸ یا همان ایالت‌ها است و وزارت آموزش، علوم و تحقیقات فدرال در سطح ملی این مسئولیت را بر عهده دارد (یورودیس، ۲۰۱۹، a).

این نوع از اداره کردن امور از سال ۱۹۴۵ و با

9. Kultusministerkonferenz, Conference of Ministers of Education

8. Länder

جدول ۳. عوامل اصلی، فرعی و مؤلفه‌های محرک اصلاحات آموزش عالی در کشورهای اروپای شرقی

عوامل اصلی	عوامل فرعی	مؤلفه‌ها
درونی (درون نظام آموزش عالی)	ایجاد، تغییر یا اصلاح قانون	- تصویب قانون آموزش ملی ۲۰۱۱ (رومانی) - تصویب قانون ۲۰۱۱ آموزش عالی (لهستان) - تصویب قانون ۲۰۱۸ آموزش عالی و علوم (لهستان) - اصلاح قانون آموزش عالی در سال ۲۰۰۴ (بلغارستان) - تصویب قانون اساسی برای علوم (لهستان)
بازارهای مالی		- تعیین معیارهای تخصیص بودجه در قانون ۲۰۱۸ آموزش عالی (لهستان) - تغییر در نوع بودجه‌ریزی و سوق یافتن به سمت مدل انگلیسی (رومانی)
بیرونی (خارج از نظام آموزش عالی)	تحولات سیاسی اجتماعی در سطح ملی	- وابستگی‌های اقتصادی تکنولوژیکی به اروپای غربی (لهستان) - اصلاح ساختار با هدف کاهش نقش دولت و تحریک حضور بخش خصوصی (رومانی) - تصمیم برای استقلال اقتصادی
	قوانین	- تمرکززدایی از فرایند تصمیم‌گیری (لهستان) - تغییرات کلی در نوع بودجه‌ریزی و قوانین مالی کشور (بلغارستان)
	تحولات و فشارهای فراملی (اروپایی شدن)	- تغییرات مربوط به مدل مدیریت عمومی (لهستان) - حساسیت اجتماعی و اعتراض به عقب‌ماندگی (لهستان) - شکل‌گیری دیدگاه اصلاح آموزشی به منظور ادغام در اقتصاد جهانی (رومانی)
		- عضویت در اتحادیه اروپا (لهستان، رومانی و بلغارستان) - فرایند بولونیا (لهستان، رومانی و بلغارستان) - تمایل برای همراهی با روندهای جهانی (لهستان، رومانی و بلغارستان) - توافق‌نامه‌های همکاری بین‌المللی (رومانی)

مشترک برای اقداماتی به منظور بین‌المللی شدن شد (یورودیس، ۲۰۱۹، d).

تدوین چارچوب صلاحیت‌های آلمانی برای یادگیری مادام‌العمر نیز بخشی از یک فرایند اروپایی است که بر اساس توصیه پارلمان اروپا در مورد ایجاد چارچوب صلاحیت‌های اروپایی است که منجر به تصمیم کشورهای عضو برای تدوین چارچوب صلاحیت‌های ملی شده است (یورودیس، ۲۰۱۹، e).

آموزش عالی آلمان قلمداد می‌شود. به منظور ارتقای برخی شاخص‌ها، مانند کاهش نرخ ترک تحصیل، کاهش بودجه دولتی و... با همکاری لندرها اقدام به اصلاح و نوسازی سیستم به سبک از بالا به پایین شد، اما وجود فرایند بولونیا و فشارهای ناشی از آن موجب سوق یافتن این تلاش‌ها به سمت اروپایی شدن و جهانی شدن بود، به طوری که در آوریل سال ۲۰۱۳ فدراسیون و لندرها استراتژی مشترکی برای بین‌المللی کردن مؤسسات آموزش عالی در این کشور اتخاذ کردند که موجب شکل‌گیری اهداف

۳.۵. فرانسه

را فراهم آورده و به طور کلی بودجه خروجی محور را تقویت کرده است.

قانون هدایت تحقیقات، قانون دیگری است که در سال ۲۰۰۶ به منظور سازماندهی پژوهش در فرانسه به تصویب رسید. مفاد این قانون به منظور ارتقای همکاری در پژوهش به نهادهای تحقیقاتی و آموزش عالی برای ایجاد مراکز آموزش عالی و پژوهشی مجوز اعطا می‌کند.

همچنین بر اساس این قانون، بخشی از مواردی که آژانس ارزیابی آموزش عالی و پژوهش مؤظف به ارزیابی آن‌ها هستند، مشخص شده است، از جمله مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، مبانی همکاری مؤسسات، دوره‌های آموزش عالی، رویه‌های مربوط به ارزیابی کارکنان مدارس و دانشگاه‌ها و شرایط اجرای آن (یورودیس، ۲۰۱۸، a).

موسلین و پارادایس معتقدند مجموع این قوانین و اصلاحات موجب شد آموزش عالی فرانسه از هدایت سلسه‌مراتبی و متمرکز به سوی یک شکل جدید از «چندمرکزگرایی» و سیاست‌گذاری افقی که در آن دانشگاه‌ها و مناطق تبدیل به بازیگران اثرگذار شدند، تغییر کند.

البته آن‌ها تأکید می‌کنند که منحصرأ این دولت و نه ارائه‌دهندگان آموزش عالی بوده است که به عنوان برانگیزاننده اصلاحات عمل کرده است. برخی بر این باورند که این تغییرات تحت تأثیر روندهای بین‌المللی نیز نبوده است، به گونه‌ای که این نوآوری‌های نهادی می‌توانند به عنوان فرایندهای با منشأ فرانسه در نظر گرفته شوند (دوبینز، ۲۰۱۲).

همچنین بین‌المللی شدن و تغییر دولت‌ها و سیاست‌های ناشی از این تغییرات نیز بر اصلاحات آموزش عالی فرانسه تأثیرگذار بوده است. به عنوان

قانون مربوط به آزادی‌ها و مسئولیت‌های دانشگاه که در سال ۲۰۰۷ تصویب شد به عنوان مهم‌ترین قانون معاصر فرانسه در حوزه آموزش عالی شناخته می‌شود. این قانون که به 'LRU' معروف است، دستورالعمل‌های کلی برای آموزش عالی فرانسه را تنظیم می‌کند.

هدف این قانون تا اول ژانویه سال ۲۰۱۳ در اختیار گذاشتن ابزاری برای همه دانشگاه‌ها جهت خودمختاری کامل در مدیریت بودجه و منابع انسانی و فراهم کردن امکان مالکیت آشکار در املاک و مستغلات آن‌ها بود. طبق این قانون اختیارات رؤسای دانشگاه‌ها، به‌ویژه در مورد استخدام و مدیریت کارکنان و بودجه‌های خصوصی دانشگاه گسترده‌تر شد (یورودیس، ۲۰۱۸، a).

در عوض، دولت ارزیابی دقیقی از تحقیقات، تدریس، مدیریت حقوق و دستمزد، بودجه و استراتژی مؤسسه توسط یک آژانس مستقل انجام می‌داد (یورودیس، ۲۰۱۸، b). نوع بودجه‌ریزی فرانسه نیز در دهه ۲۰۰۰ اصلاحاتی را به خود دیده است.

هرچند که دولت همچنان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی بودجه آموزش عالی این کشور است، اما نوع بودجه‌ریزی در این کشور در پی اصلاحاتی از نوع دولت‌محور دور شده است که به اعتقاد مکنزی این تغییر در رویکرد بودجه‌ریزی، در شیوه تخصیص و سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک قابل مشاهده است. در همین زمینه قانون LRU (۲۰۰۷) موجبات پیوند هرچه بیشتر تخصیص بودجه به معیارهای عملکرد

10. Loi Relative Aux Libertés Et Responsabilités Des Universités, LRU

قانون‌گذاری سازمان کلی آموزش در این کشور را بر عهده دارد (یورودیس، ۲۰۲۰).

همچنین در سطح آموزش عالی «شورای ملی دانشگاه»^{۱۱} و «شورای ملی آموزش عالی هنر و موسیقی»^{۱۲}، از جمله نهادهای تأثیرگذار به شمار می‌روند که درباره موضوعاتی از قبیل برنامه‌ریزی، تصویب آیین‌نامه تدریس دانشگاه و تعیین محققان و مدرسان فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر، شورای ملی دانشجویان دانشگاه‌ها^{۱۳} نیز نماینده دانشجویان در سطح ملی به حساب می‌آید (یورودیس، ۲۰۱۸).

اصلاحات در آموزش عالی ایتالیا با اصلاحات در نظام اداری این کشور که در اواخر دهه ۱۹۸۰ با تغییر رویکرد به مدیریت نوین دولتی به سبک بریتانیایی بود، هم‌زمان شد.

بر این اساس، دولت از تنظیم‌گری دقیق و دخالت مستقیم از طریق بوروکراسی کناره‌گیری کرد و به دانشگاهیان خودمختاری بیشتری اعطا کرد که همراه با پاسخ‌گویی بیشتر بود. این مهم شامل خودمختاری گسترده در امور مالی و کارکنان بود، اما دولت در کنار اعطای چنین استقلال، دانشگاه‌ها را ملزم به ایجاد هسته‌های ارزیابی کرده بود که ارزیابی‌های عملکرد داخلی را تحت نظارت یک آژانس هماهنگی ملی انجام می‌داد (موسکاتی، ۲۰۰۱).

دولت ایتالیا در این تغییر پارادایمی که در اوایل دهه ۲۰۰۰ نیز تشدید شده بود، با توجه به ساختارهای دانشگاه، هیأت‌های حکمران دانشگاه را به عنوان شورای اداری^{۱۴} جایگزین سناهای

مثال، آقیون و کوهن به نقل از دوبینز بیان می‌کنند که در نتیجه عملکرد بسیار ضعیف دانشگاه‌های فرانسوی در رتبه‌بندی‌های دانشگاهی، آموزش عالی این کشور مورد تردید قرار گرفت و این امر موجب شد تا دولت سارکوزی به طور فزاینده‌ای تقلید از مدل‌های حکمرانی کشورهای پیشرو آموزش عالی دنیا را به عنوان یک کاتالیزور مورد توجه قرار دهد.

همچنین فرانسوا اولاند در دوره ریاست جمهوری خود دو قانون برای اصلاحات در نظام آموزش مدرسه و آموزش عالی در پیش گرفت. این قوانین، اصلاحات را به منظور دستیابی به سه هدف عمده متمرکز کرده بودند: موفقیت برای همه دانشجویان، ساده‌سازی سیستم آموزش عالی و حکمرانی آن و احیای تحقیقات (یورودیس، ۲۰۱۸، c).

واکنش دولت‌های این کشور به فرایند بولونیا نیز عملکردی مشابه داشت. یکی از نمونه‌های این امر قانون مدرنیزاسیون دانشگاه و فرایند تضمین کیفیت است. ویت اشاره می‌کند که در واکنش به فرایند بولونیا، دولت با قانون مدرنیزاسیون دانشگاه، ساختار حکمرانی دانشگاه را به الگوی بازارگرا نزدیک‌تر کرد که بر پایه اصول خودمختاری آموزش و خودمختاری اداری بود. درباره تأثیر فرایند بولونیا بر تضمین کیفیت نیز موسلین و پارادایس (۲۰۰۹) بر این باورند که فرایند بولونیا، نه تنها الهام‌بخش ایجاد شبکه شبه دولتی شد، بلکه ابزارهای جدیدی با هدف تقویت مأموریت پژوهشی دانشگاه‌های فرانسه را ایجاد کرد.

۶.۳ ایتالیا

هر چند که طی دهه‌های اخیر نظام آموزشی ایتالیا نیز به مانند سایر کشورهای اروپایی به سمت بازاری شدن و عدم تمرکز بیشتر سوق یافته است، اما این تنها دولت مرکزی است که صلاحیت انحصاری

11. Consiglio Universitario Nazionale, CUN
12. Consiglio Nazionale Per l'Alta Formazione Artistica E Musicale, CNAM
13. Consiglio Nazionale Degli Studenti Universitari - CNSU
14. Consigli Di Amministrazione

این زمینه در سال ۲۰۱۰ با تصویب قانونی جدید رخ داد.

هدف این قانون طراحی سیستم جدیدی برای تضمین کیفیت و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها و مؤسسات و برنامه‌های آن‌ها از طریق بازنگری گسترده در ارزیابی کیفیت و ارتقای رویه‌ها به منظور پیوند محکم‌تر بین عملکرد دانشگاه و توزیع بودجه است. در ایتالیا تضمین کیفیت توسط آژانس ملی ارزیابی دانشگاه و سیستم تحقیقاتی^{۱۶} که یک نهاد عمومی تحت نظارت وزارت آموزش، دانشگاه و تحقیقات است، انجام می‌شود (یورودیس، ۲۰۱۸).

عوامل محرک اصلاحات در کشورهای اروپای غربی نیز در دو دسته کلی عوامل درونی و بیرونی طبق تعریف بالا شناسایی شده است که در جدول شماره ۴ علاوه بر این عوامل، عوامل فرعی و مؤلفه‌های مربوط به آن‌ها نیز ارائه شده است.

۷.۳. تطبیق عوامل محرک اصلاحات در کشورهای اروپایی با عوامل اثرگذار بر تحولات آموزش عالی در ایران

هرچند که زمینه سیاسی اقتصادی و اجتماعی ایران تفاوت‌های آشکاری با کشورهای اروپایی دارد، اما به دلیل تأثیرات روندهای مربوط به جهانی شدن و بین‌المللی شدن، می‌توان شباهت‌هایی نیز میان نظام‌های آموزش عالی متصور بود.

از آنجا که برای مقایسه میان دو پدیده نیاز به وجود شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان آن‌ها است و در موضوع حاضر این امکان فراهم شده است، از این رو، می‌توان بخشی از تحولات نظام آموزش عالی کشورمان را نیز با عوامل شناسایی شده فوق تطبیق داد.

دانشگاهی کرد، که این اقدام با هدف کاهش و موازنه کردن قدرت سناهای دانشگاهی و ورود اعضای خارج از دانشگاه در فرایند تصمیم‌گیری این نهاد بود (بافو، دوبویس و موسکاتی، ۲۰۰۸)، که بنا به گزارش موسکاتی (۲۰۱۲) با تلاش استادان برای در اختیار گرفتن شورای اداری دانشگاه‌ها این حرکت دولت بی‌نتیجه ماند و عملاً نوع حکمرانی دانشگاه‌ها تا حدودی به خودراهبری دانشگاهی برگشت.

اما با گذشت چند سال و با تصویب قانون گلمینی^{۱۵} در سال ۲۰۱۰ میان کارکردهای سنا و شورای اداری، تغییرات مهمی در این زمینه ایجاد شد، درحالی‌که شورا مسئولیت مدیریت مالی و استراتژیک را بر عهده گرفت، کارکرد سنا به مباحث آموزشی و علمی منحصر شد (دونینا، مئولی و پالری، ۲۰۱۵).

دولت از طریق نوع بودجه‌ریزی پیش‌بینی شده در بودجه خود که در بین دانشگاه‌های مختلف تقسیم می‌شود، اقدام به تأمین مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌کند. این اقدامات تحت قانونی است که در سال ۱۹۹۴ خودمختاری دانشگاه‌ها در استفاده از بودجه‌ها و حمایت‌های مالی دولت را افزایش داده است، انجام می‌شود.

طبق این قانون در راستای تشویق دانشگاه‌ها به منظور ارتقای کیفیت خدمات، بخش اعظمی از بودجه بر اساس شاخص‌های عملکرد مربوط به فعالیت‌های آموزشی، تحقیقاتی و در کل کارایی سازمان نهادی دانشگاه توزیع می‌شود. اما درنهایت به عنوان بخشی از مدیریت عمومی، مدیریت مالی دانشگاه‌ها تحت نظارت وزارت دارایی و دیوان حسابرسی این کشور قرار دارد. تغییرات دیگر در

16. Agenzia Nazionale Per La Valutazione Del Sistema Universitario E Della Ricerca - ANVUR

15. Gelmini

جدول ۴. عوامل اصلی، فرعی و مؤلفه‌های محرک اصلاحات در نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپای غربی

عوامل اصلی	عوامل فرعی	نمونه
دورنی (درون نظام آموزش عالی)	ایجاد، تغییر یا اصلاح قانون تشکیل یا حذف شوراها، اتحادیه‌ها و صنف‌ها ابزارهای مالی	- قانون هدایت تحقیقات (فرانسه) - تشکیل کنفرانس دائمی وزاری آموزش ایالت‌ها (آلمان) - تشکیل اتحادیه‌ها و صنف‌های استادان و دانشجویان (ایتالیا) - تغییر الگوی بودجه‌ریزی به نوع عملکرد محور (آلمان، فرانسه و ایتالیا)
بیرونی (خارج از نظام آموزش عالی)	قوانین تصمیمات و سیاست‌های دولت تحولات سیاسی اجتماعی در سطح ملی تحولات و فشارهای فراملی (اروپایی شدن)	- قوانین تعیین‌کننده کارکرد و وظایف شوراهای دانشگاهی (ایتالیا) - ایجاد قانون آزادی‌ها و مسئولیت دانشگاه (فرانسه) - استفاده از ظرفیت قانون اساسی برای تغییرات (آلمان) - تفویض برخی از اختیارات به دانشگاه (فرانسه) - ایجاد نهاد تضمین کیفیت در دانشگاه‌ها (فرانسه و ایتالیا) - طراحی و اجرای سیاست به صورت بالا به پایین توسط دولت (ایتالیا و فرانسه) - تغییر دولت‌ها و ترجیحات آن‌ها (آلمان) - شکل‌گیری سیاست‌های اصلاحی جدید (فرانسه) - تصمیمات و توصیه‌های پارلمان اروپا (آلمان) - فرایند بولونیا (آلمان، فرانسه و ایتالیا) - ابزارهای حکمرانی بین‌المللی مانند نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاهی (فرانسه) - بین‌المللی شدن (آلمان، فرانسه و ایتالیا)

دسته عوامل اصلی بیان کرد، اما بررسی عوامل فرعی علاوه بر شباهت‌ها، تفاوت‌هایی را نیز آشکار می‌کند. در سطح عوامل درونی، عواملی مانند قوانین و ابزارهای مالی بیشترین تأثیر را بر اصلاحات آموزش عالی در کشورهای اروپایی داشته‌اند، اما در کشورمان این عوامل مربوط به مدیریت و رهبری و امکانات و زیرساخت‌ها است.

دلیل این مهم را می‌توان به شیوه اداره کردن دانشگاه‌ها مرتبط دانست، که در نظام‌های آموزش عالی اروپایی دانشگاه‌ها از خودمختاری بیشتری برخوردار هستند. اما در سطح عوامل بیرونی، در هر دو دسته، عواملی همچون نقش دولت، نظام‌های

بدین منظور با مراجعه به مطالعات صورت پذیرفته در این زمینه (ثمری و همکاران، ۱۳۹۲؛ سلامی و همکاران، ۱۳۹۷؛ مطلبی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵؛ آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳؛ زمانی، ۱۳۹۶ و...) عوامل تأثیرگذار بر تحولات نظام آموزش عالی ایران استخراج و در جدول شماره ۵ دسته‌بندی شد.

تطبیق جدول شماره ۵ با عوامل شناسایی شده از بررسی تطبیقی نشان‌دهنده برخی شباهت‌ها و تفاوت‌ها است.

اگر عوامل محیطی در سطح منطقه، ملی و بین‌المللی را به عنوان عوامل بیرون از آموزش عالی در نظر بگیریم، آن‌گاه می‌توان شباهت کلی میان دو

جدول ۵. عوامل مؤثر بر تحولات نظام آموزش عالی ایران در مطالعات مختلف

عوامل اصلی	عوامل فرعی
عوامل درون‌سازمانی	مدیریت و رهبری امکانات و زیرساخت‌ها
عوامل محیطی سطح محلی و منطقه	عوامل فرهنگی و سیاسی محیط محلی منطقه‌ای عوامل اقتصادی اجتماعی جامعه محلی منطقه‌ای
عوامل محیطی سطح ملی و کلان	دولت و تصدی‌گری آن تقاضاهای فزاینده برای آموزش عالی تأثیر سیستم‌های اقتصادی اجتماعی قوانین و مقررات جهت‌گیری توسعه آموزش عالی اعتبارات و منابع مالی عوامل فرهنگی اجتماعی
عوامل محیطی سطح بین‌المللی	بین‌المللی شدن

رفتند.

دلیل این رفتار را می‌توان به چالش شدید مشروعیت بیرونی سیستم‌های ملی آموزش عالی مرتبط دانست که این سیستم‌ها را وادار به پذیرفتن هنجارها و ساختارهای سایر نظام‌های آموزش عالی که در محیط سازمانی خود موفق ارزیابی شده‌اند، کرده است.

با این حال، می‌توان همگرایی‌ها و واگرایی‌هایی را در اصلاحات انجام‌شده مشاهده کرد که بی‌ارتباط به عوامل شناسایی‌شده محرک آن‌ها نیستند. همگرایی دو دسته کشورهای اروپای شرقی و غربی در برخی عوامل و واگرایی در برخی عوامل دیگر.

اقتصادی، قوانین و مقررات و تحولات سیاسی اجتماعی دیده می‌شود که نشان‌دهنده تأثیرپذیری نظام‌های آموزش عالی از سایر نظام‌های مانند اقتصادی، تقنینی و سیاسی اجتماعی است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بعد از دهه ۱۹۹۰ حکمرانی نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپایی دچار تغییرات اساسی شد. این تغییر علاوه بر کشورهای استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی، شامل سایر کشورهای این قاره نیز شده است، به گونه‌ای که برخی از نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپای غربی که خود در این عرصه صاحب سبک بودند، نیز به استقبال این تغییرات

اتحاد جماهیر شوروی به نوع مدیریت نوین دولتی در عوامل و مؤلفه‌هایی چون تغییر نوع بودجه‌ریزی، اعطای اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها و تمرکززدایی از فرایند تصمیم‌گیری به وضوح آشکار است.

الگوی مدیریت دولتی نوین بر تحولات آموزش عالی در کشور ما نیز بی‌تأثیر نبوده است. از مهم‌ترین تأثیرات آن می‌توان به گسترش کمی آموزش عالی در کشور از طریق دانشگاه‌های غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد اسلامی اشاره کرد.

اما در بررسی عوامل محرک اصلاحات در نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپایی و مقایسه آن با عوامل مؤثر بر تحولات آموزش عالی کشورمان می‌توان ادعا کرد عوامل درونی در نظام‌های آموزش عالی اروپایی اثرگذاری بیشتری نسبت به همین عوامل در کشورمان دارند.

به طوری که، عامل ایجاد، تغییر و اصلاح قوانین، استفاده از ابزارهای مالی و وجود اتحادیه‌هایی به منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات از نظر ماهیتی، قابلیت بیشتری بر تحریک اصلاحات دارند، که ایجاد قوانین ملی آموزش در کشورهای اروپای شرقی و همچنین تشکیل کنفرانس دائمی وزرای آموزش ایالت‌ها در کشور آلمان از نمونه‌های بارز آن است.

با توجه به تقسیم‌بندی عوامل محرک اصلاحات، می‌توان ادعا کرد عوامل بیرونی نقش بیشتری در اصلاحات آموزش عالی کشورهای اروپای شرقی نسبت به کشورهای اروپای غربی داشته است که بارزترین آن‌ها مربوط به عامل اقتصادی است و در این کشورها عامل تغییرات متعددی بوده است.

همچنین تحولات سیاسی ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اثرات آن بر اصلاحات نظام آموزش عالی در کشورهای شرق اروپا و تغییر

به طور کلی، کشورهای اروپای شرقی و غربی به دلیل تفاوت در شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسیرهای متفاوتی را برای توسعه نظام آموزش عالی خود پیموده‌اند.

کشورهای اروپای شرقی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تحولات سیاسی عمیق ناشی از آن در دهه ۱۹۹۰، اقدام به بازسازی و تحول نظام اداری خود براساس رویکردهای جدید کرده‌اند که در بین حوزه‌های مختلف، آموزش عالی به دلیل ماهیت پیشران بودن آن، به عنوان یکی از حوزه‌های اولیه و اساسی برای کمک به بازسازی سایر حوزه‌ها، به خصوص اقتصاد و صنعت، مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

همچنین دولت‌ها نقش ویژه‌ای در اصلاحات ایفا می‌کنند و از این نظر کشورهای بررسی شده دارای همگرایی بالایی در تحریک و انجام اصلاحات توسط دولت‌ها هستند. دولت‌ها را می‌توان آغازگر و حمایت‌کننده اصلاحات آموزش عالی در کشورهای اروپایی و حتی کشورمان به شمار آورد، چرا که اصلاحات آموزش عالی، بخشی از اصلاحات عمومی قلمداد می‌شوند که دولت‌ها خود را مسئول آن می‌دانند.

ظهور الگوی جدیدی از مدیریت عمومی در دهه ۱۹۸۰ و تأثیر آن بر اداره امور در کشورها را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل محرک در اصلاحات صورت گرفته در حوزه‌های مختلف، به خصوص آموزش عالی در نظر گرفت.

در مطالعه حاضر مشخص شد تأثیر تغییر مدل مدیریت عمومی به وضوح بر اصلاحات آموزش عالی تأثیر گذاشته است. تمایل کشورهای اروپای شرقی به تغییر رویکرد اداره کشور پس از فروپاشی

رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است. مقاله برگرفته از رساله دکتری هادی یوسفی با عنوان «الگوی ساختار نهادی نظام آموزش عالی ایران» است که در دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

مشارکت‌نویسندگان

مفهوم‌سازی، اعتبارسنجی، تحلیل و ویراستاری نهایی: تمامی نویسندگان؛ روش‌شناسی: هادی یوسفی و علی خرسندی؛ تحقیق و بررسی: هادی یوسفی و جمیله علم‌الهدی؛ منابع: هادی یوسفی، علی خرسندی، غلامرضا ذاکر صالحی؛ نگارش پیش‌نویس و بصری‌سازی: هادی یوسفی؛ نظارت: جمیله علم‌الهدی، علی خرسندی و غلامرضا ذاکر صالحی و مدیریت پروژه: جمیله علم‌الهدی.

تعارض منافع

در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

دولت‌ها در کشورهای اروپای غربی و تأثیرپذیری نظام‌های آموزش عالی از آن‌ها غیرقابل انکار است. اثر این عامل در تحولات آموزش عالی کشورمان نیز به وضوح دیده می‌شود.

سیاست‌های گسترش آموزش عالی در دولت‌های مختلف و تأکید بر الگوی خاص در هر دوره (آموزش عالی دولتی / غیردولتی) نمونه‌ای از آن می‌تواند باشد. از سوی دیگر، عامل مربوط به تحولات و فشارهای فراملی نیز در هر دو دسته کشور موجب شکل‌گیری اصلاحات اساسی شده است، اما نوع اثر آن و واکنش نظام‌های آموزش عالی متفاوت بوده است.

در کشورهای اروپای شرقی تحولات ناشی از عضویت در اتحادیه اروپا و سازگار شدن با سیاست‌ها و قوانین آن موجب برخی تحولات در نظام آموزش عالی آن‌ها شد.

همچنین عاملی مانند فرایند بولونیا، نظام‌های آموزش عالی هر شش کشور فوق را تحت تأثیر قرار داده است، که تنها تفاوت در زمان تأثیر در کشورهای فوق بوده است.

تأثیر این عامل در نظام آموزش عالی ایران از طریق فرایند بین‌المللی شدن که در ابزارهایی نظیر نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاهی و انتشار مقاله در مجلات بین‌المللی معتبر در آیین‌نامه ارتقا قابل مشاهده است، که موجب جهت‌دهی به عملکرد دانشگاه‌ها در کل و اعضای هیأت علمی در سطح خرد شده است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی پژوهش در این مقاله

منابع فارسی

- آقازاده، ا. (۱۳۸۳). *آموزش و پرورش تطبیقی*. تهران: انتشارات سمت. <http://samt.ac.ir/fa/book/2088/>
- آراسته، ح. و جمشیدی، ل. (۱۳۹۳). عوامل تاثیرگذار بر توسعه کمی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران. *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱۲(۲)، ۱۱۲-۳۸. https://education.scu.ac.ir/article_11138.html
- ایمان، م. ت. و نوشادی، م. ر. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *فصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی*، ۳(۲)، ۱۵-۴۴. <http://en-sami.ir/file/download/article/20130115083624-9711-39.pdf>
- باقری مقدم، ن. و احمدی، ح. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۴)، ۴۷-۵۵. [DOI:10.22059/PPOLICY.2019.69717]
- تمبری، ع.، یمنی دوزی سرخابی، م.، صالحی عمران، ا. و گرای نژاد، غ. ر. (۱۳۹۲). «بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در فرایند توسعه دانشگاهی در دانشگاه‌های دولتی ایران». *دوفصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۲(۴): ۱۰۰-۷۶
- حقیقت، ش. و مزیدی، م. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی زمینه فلسفی و روش‌های آموزشی چهار رویکرد تربیت اخلاقی معاصر. *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، ۸(۶۲)، ۱۳۴-۱۰۵. [DOI:10.22099/JRT.2013.1288]
- داداش کریمی، ی.، میرسیاسی، ن. و نجف بیگی، ر. (۱۳۹۷). بررسی سیر تحول نظریات حکمرانی در نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها جهت ارتقاء بهره‌وری. *فصلنامه نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، ۱۴(۵۳)، ۲۶-۷. https://jmte.riau.ac.ir/article_1518_7c-52f56e837030a416e06fa57169acda.pdf?lang=en
- زمانی، ا. (۱۳۹۶). شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش در آموزش عالی. *فصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی*، ۶(۱۱)، ۳۵-۲۳. <http://www.journalie.ir/Article/544>
- ذاکر صالحی، غ. ر. (۱۳۸۸). بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران (موضوع ماده ۹۴ قانون برنامه چهارم توسعه) و تدوین راهکارهای اجرایی تحقق آن. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۵(۳)، ۱۰۶-۷۹. <http://journal.irphe.ac.ir/article-1-614-fa.html>
- ذاکر صالحی، غ. ر. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت موجود علم و فناوری در ایران و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۶(۴)، ۴۷-۳. <http://jpbud.ir/article->
- ۱-451-fa.html
- ذاکر صالحی، غ. ر. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی ساختار مدیریت و رهبری دانشگاهی: مطالعه موردی هیأت‌های امانا. *فصلنامه آموزش عالی ایران*، ۸(۳)، ۱۱۰-۹۷. <http://ihej.ir/article-۱۰۹۱۲-fa.html>
- ذاکر صالحی، غ. ر. و ذاکر صالحی، ا. (۱۳۸۹). بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی کشور در زمینه استقلال دانشگاهی در ایران. *فصلنامه آموزش عالی ایران*، ۳(۱)، ۵۹-۳۳. <https://www.magiran.com/paper/850770>
- سلامی، ن.، رزقی شیرسوار، ه. و حقانی، م. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل ایستایی، پویایی نظام آموزش عالی در ایران. *فصلنامه آموزش عالی ایران*، ۱۰(۲)، ۱۱۰-۸۹. <http://ihej.ir/article-1-1206-fa.html>
- ربیعی، ع. و نظریان، ز. (۱۳۹۱). بررسی چالش‌های خصوصی سازی آموزش عالی در ایران (مطالعه تطبیق در چهار کشور منتخب). *دو فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۱(۴)، ۶۶۸-۶۴۷. http://miu.nahad.ir/article_44.html
- صباغیان، ع. (۱۳۹۸). الزامات و پیامدهای تحول حکمرانی آموزش عالی در اروپا. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۵(۲)، ۲۴۷-۲۲۹. [DOI:10.22059/PPOLICY.2019.72279]
- فتح‌اللهی، ا.، یمنی، م.، صباغیان، ز.، فراستخواه، م. و قاضی طباطبائی، م. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۷(۱)، ۴۵-۲۷. http://jstp.nrips.ac.ir/article_13842.html
- مشیرزاده، ح. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری در آموزش عالی ایران: مطالعه موردی شیوه‌های سنجش و پذیرش دانشجویان دکتری رشته روابط بین‌الملل. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۳(۳)، ۲۳۴-۲۰۹. [DOI:10.22059/PPOLICY.2019.73713]
- مطلبی فرد، ع. ر.، آراسته، ح.، نوه ابراهیم، ع. ر. و عبداللهی، ب. (۱۳۹۵). واکاوی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و توسعه کژکارکردی‌های آموزشی در ایران. *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، ۹(۱۷)، ۴۰-۹. https://mpes.sbu.ac.ir/article_98435.html
- یوسفی، ه. (۱۳۹۸). فرایند بلونیا، سیاست‌گذاری فراملی جهت ساماندهی آموزش عالی در اروپا. همایش ساماندهی آموزش عالی: سناریوهای پیش رو. ۱۹ آذر ۱۳۹۸؛ تهران، انجمن آموزش عالی ایران. <https://civilica.com/doc/970443/>

References

- Abbott, A. (2013). Romanian science in free fall. Nature 21 August 2013. Available at: <https://www.nature.com/news/romanian-science-in-free-fall-1.13579> [DOI:10.1038/500388a] [PMID]
- Antonowicz, D., Kwiek, M., & Westerheijden, D. F. (2017). The government response to the private sector expansion in Poland. In Policy analysis of structural reforms in higher education (pp. 119-138). Palgrave Macmillan, Cham. [DOI:10.1007/978-3-319-42237-4_6]
- Ban, C. (2013). From cocktail to dependence: Revisiting the foundations of dependent market economies. Available at SSRN 2233056. [DOI:10.2139/ssrn.2233056]
- Bleiklie, I., & Michelsen, S. (2013). Comparing HE policies in Europe. *Higher Education*, 65(1), 113-133. [DOI:10.1007/s10734-012-9584-6]
- Bleiklie, I., Enders, J., Lepori, B., & Musselin, C. (2011). New public management, network governance and the university as a changing professional organization. Christensen, Tom, Laegreid, Per. The Ashgate Research Companion to New Public Management, Ashgate, pp.161-176. <https://hal-sciencespo.archives-ouvertes.fr/hal-00972968/document>
- Boffo, S., Dubois, P., & Moscati, R. (2008). Changes in university governance in France and in Italy. *Tertiary Education and Management*, 14(1), 13-26. [DOI:10.1080/13583880701814132]
- Boyardjeva, P. (2007). Diversity matters: A lesson from a post-communist country. *Towards a Multiversity*, 108-131. [DOI:10.14361/9783839404683-006]
- Christensen, T., Gornitzka, A., & Maassen, P. (2014). Global pressures and national cultures. University adaptation in difficult economic times, 30-51. [DOI:10.1093/acprof:oso/9780199989393.003.0003]
- Communication from the Commission. (2003). The role of the universities in the Europe of knowledge. Brussels: COM (2003), 58.
- de Boer, H. F., & File, J. (2009). Higher education governance reforms across Europe. Brussels: ESMT.
- de Boer, H. F., & Huisman, J. (2020). Governance Trends in European Higher Education. Cambridge Studies in Comparative Public Policy. [DOI:10.1017/9781108669429.013]
- de Boer, H., File, J., Huisman, J., Seeber, M., Vukasovic, M., & Westerheijden, D. F. (2017). Structural reform in European higher education: An introduction. In Policy Analysis of Structural Reforms in Higher Education (pp. 1-28). Palgrave Macmillan, Cham. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-42237-4> https://doi.org/10.1007/978-3-319-42237-4_1 [DOI:10.1007/978-3-319-42237-4_13]
- De Boer, H. F., Enders, J., & Leisyste, L. (2007). Public sector reform in Dutch higher education: The organizational transformation of the university. *Public Administration*, 85(1), 27-46. [DOI:10.1111/j.1467-9299.2007.00632.x]
- de Boer, H., & Jongbloed, B. (2012). A cross-national comparison of higher education markets in Western Europe. In European higher education at the crossroads (pp. 553-571). Springer, Dordrecht. [DOI:10.1007/978-94-007-3937-6_30]
- De Boer, H., Enders, J., & Schimank, U. (2007). On the way towards new public management? The governance of university systems in England, the Netherlands, Austria, and Germany. In New forms of governance in research organizations (pp. 137-152). Springer, Dordrecht. [DOI:10.1007/978-1-4020-5831-8_5]
- De Boer, H., File, J., Huisman, J., Seeber, M., Vukasovic, M., & Westerheijden, D. F. (2016). Policy analysis of structural reforms in higher education: Processes and outcomes. Springer. [DOI:10.1007/978-3-319-42237-4]
- Dobbins, M. (2012). How market-oriented is French higher education? *French Politics*, 10(2), 134-59. [DOI:10.1057/fp.2012.5]
- Dobbins, M. (2017). Convergent or divergent Europeanization? An analysis of higher education governance reforms in France and Italy. *International Review of Administrative Sciences*, 83(1), 177-99. [DOI:10.1177/0020852315580498]
- Dobbins, M. (2017). Exploring higher education governance in Poland and Romania: Re-convergence after divergence? *European Educational Research Journal*, 16(5), 684-704. [DOI:10.1177/1474904116684138]
- Dobbins, M., & Khachatryan, S. (2015). Europeanization in the "Wild East"? Analyzing higher education governance reform in Georgia and Armenia. *Higher Education*, 69(2), 189-207. [DOI:10.1007/s10734-014-9769-2]

- Dobbins, M., & Knill, C. (2009). Higher education policies in Central and Eastern Europe: convergence toward a common model? *Governance*, 22(3), 397-430. [DOI:10.1111/j.1468-0491.2009.01445.x]
- Dobbins, M., & Knill, C. (2014). *Higher education governance and policy change in Western Europe: International challenges to historical institutions*. Springer. [DOI:10.1057/9781137399854]
- Dobbins, M., & Leišyte, L. (2014). Analysing the transformation of higher education governance in Bulgaria and Lithuania. *Public Management Review*, 16(7), 987-1010. [DOI:10.1080/14719037.2013.770060]
- Donina, D., Meoli, M., & Paleari, S. (2015). Higher education reform in Italy: Tightening regulation instead of steering at a distance. *Higher Education Policy*, 28(2), 215-234. [DOI:10.1057/hep.2014.6]
- Enders, J., De Boer, H., & Weyer, E. (2013). Regulatory autonomy and performance: The reform of higher education re-visited. *Higher Education*, 65(1), 5-23. [DOI:10.1007/s10734-012-9578-4]
- European Education Information Network (EURYDICE). (2007). Focus on the structure of higher education in Europe 2006/07: national trends in the Bologna Process. EURYDICE, Brussels, Belgium.
- Eurydice (b) (2019). Bulgaria, European Perspective. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/european-perspective-9_en
- Eurydice (2018). Bulgaria, Political, Social and Economic Background and Trends. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/political-social-and-economic-background-and-trends-12_en
- Eurydice (b) (2018). France, Higher Education Funding. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/higher-education-funding_en
- Eurydice (a) (2018). France, Legislation and Official Policy Documents. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/legislation-23_en
- Eurydice (c) (2018). France, Main Executive and Legislative Bodies. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/main-executive-and-legislative-bodies_en
- Eurydice (2018). Italy, Administration and Governance at central and regional level. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/administration-and-governance-central-and-or-regional-level-39_en
- Eurydice (a) (2019). Bulgaria, Legislation and Official Policy Documents. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/legislation-9_en
- Eurydice (b) (2019). Germany, Administration and Governance at central and regional level. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/administration-and-governance-central-and-or-regional-level-31_en
- Eurydice (c) (2019). Germany, Higher Education Funding. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-funding-31_en
- Eurydice (d) (2019). Germany, Mobility in Higher Education. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/mobility-higher-education-25_en
- Eurydice (e) (2019). Germany, National Qualification Framework. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/national-qualifications-framework-31_en
- Eurydice (a) (2019). Germany, Political, Social and Economic Background and Trends. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/political-social-and-economic-background-and-trends-31_en
- Eurydice (2019). Poland, Higher Education Funding. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-funding-56_en
- Eurydice (b) (2019). Romania, Administration and Governance at Central and/or Regional Level. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/administration-and-governance-central-and-or-regional-level-64_en
- Eurydice (c) (2019). Romania, Fundamental Principles and National Policies. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/fundamental-principles-and-national-policies-64_en
- Eurydice (a) (2019). Romania, Historical Development. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/historical-development-64_en

- Eurydice (2019). Romania, Historical Development. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/historical-development-64_en
- Eurydice (2019). Romania, Mobility and Internationalisation. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/mobility-and-internationalisation-56_en
- Eurydice (2020). Italy, Higher Education Funding. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-funding-39_en
- Eurydice (2020). Italy, Ongoing Reforms and Policy Developments. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/ongoing-reforms-and-policy-developments-33_en
- Eurydice (2020). Poland, National Reform in Higher Education. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/national-reforms-higher-education-50_en
- Curaj, A., Scott, P., Vlasceanu, L., & Wilson, L. (Eds.). (2012). European higher education at the crossroads: between the Bologna process and national reforms. Springer Science & Business Media. [DOI:10.1007/978-94-007-3937-6] [PMID]
- Fard, H. D., & Salimi, G. (2017). Governance of Higher Education System in Iran: The Elongated Road to New Public Management. [DOI:10.1007/978-3-319-31816-5_3367-1] [PMID]
- Kaiser, F., Maassen, P., Meek, L., van Vught, F., de Weert, E., & Goedegebuure, L. (Eds.). (2014). Higher education policy: An international comparative perspective. Elsevier.
- Kogan, M., & Hanney, S. (2000). Reforming higher education (Vol. 50). Jessica Kingsley Publishers.
- Kogan, M., Bauer, M., Bleiklie, I., & Henkel, M. (Eds.). (2007). Transforming higher education: A comparative study (Vol. 13). Springer Science & Business Media. [DOI:10.1007/978-1-4020-4657-5]
- Kogan, M., Gornitzka, A., & Amaral, A. (Eds.). (2005). Reform and change in higher education: Analysing policy implementation. Springer. [DOI:10.1007/1-4020-3411-3]
- Kwiec, M. (2012). Universities and knowledge production in Central Europe. *European Educational Research Journal*, 11(1), 111-26. [DOI:10.2304/eerj.2012.11.1.111]
- Maassen, P., & Stensaker, B. (2011). The knowledge triangle, European higher education policy logics and policy implications. *Higher Education*, 61(6), 757-69. [DOI:10.1007/s10734-010-9360-4]
- Marga, A. (2002). Reform of Education in Romania in the 1990s: A Retrospective. *Higher Education in Europe*, 27(1-2), 123-35. [DOI:10.1080/03797720200003279]
- Marginson, S. (2010). Higher education in the global knowledge economy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(5), 6962-80. [DOI:10.1016/j.sbspro.2010.05.049]
- McKenzie, Z. (2009). Higher education reform in France: some lessons from the Australian experience. *Fondation pour l'innovation politique*.
- Miller, M., Mroczkowski, T., & Healy, A. (2014). Poland's innovation strategy: how smart is 'smart specialisation'? *International Journal of Transitions and Innovation Systems*, 3(3), 225-48. [DOI:10.1504/IJ-TIS.2014.065697]
- Moscato, R. (2001). Italian university professors in transition. *Higher Education*, 41(1-2), 103-29. [DOI:10.1023/A:1026766829752]
- Moscato, R. (2012). *University governance in changing European systems of higher education*. In *European higher education at the crossroads* (pp. 599-611). Springer, Dordrecht. [DOI:10.1007/978-94-007-3937-6_32]
- Musselin, C., & Paradeise, C. (2009). *France: From incremental transitions to institutional change*. In *University Governance* (pp. 21-49). Springer, Dordrecht. [DOI:10.1007/978-1-4020-9515-3_2]
- Neave, G. (2001). *The European dimension in higher education: An excursion into the modern use of historical analogues*. In *Higher education and the nation state. The international dimension of higher education* (pp. 13-73). Elsevier.
- Paradeise, C., Reale, E. & Bleiklie, I. (2009). *University Governance. Western European Comparative Perspectives*. Dordrecht: Springer Netherlands. [DOI:10.1007/978-1-4020-9515-3]

Patton, M. Q. (2014). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice*. Sage publications.

Scott, P. (2002). Reflections on the reform of higher education in Central and Eastern Europe. *Higher Education in Europe*, 27(1-2), 137-152. [DOI:10.1080/0379772022000003288]

Shattock, M. (2005). European universities for entrepreneurship: Their role in the Europe of knowledge the theoretical context. *Higher Education Management and Policy*, 17(3), 13. [DOI:10.1787/hemp-v17-art16-en]

Witte, J. (2006) *Change of degrees and degrees of change: Comparing adaptations of European higher education systems in the context of the Bologna process*. [PhD. Dissertation]. Enschede: Universiteit Twente.